



محمد فولادی

روان‌شناسی بر خورد با جوان و نوجوان^(۱)

اشاره

انسان دیگر (نوجوان و جوان) زنده

می‌شود. اساساً، نوجوان، کودک دیروز و یا کودک بزرگ‌شده امروز و جوان نیز همان نوجوان دیروزی نیست، بلکه انسانی از نوع دیگر است. لذاست، که در برخورد با چنین انسانی، باید شیوه برخورد نیز نسبت به، مقطع کودکی و... تغییر یابد.

۲. سرّ معاواری و ابهام و پیچیدگی دوره نوجوانی و جوانی تنوع و گونه‌گونی مؤلفه‌های شناسا و ناشناسا، شناخته شده و ناشناخته‌ای است که هویت نوجوان و جوان را شکل می‌دهد. هویت نوجوان و جوان امروزی، تحت تأثیر بسیاری از عوامل شناخته و ناشناخته درونی و بیرونی از جمله محیط، جامعه، خانواده، وراثت، ملیت، نژاد، طبقه اجتماعی، زیست بوم، فرهنگ ملی و محلی و جهانی، میزان و تحصیلات، نوع تخصص، شغل، نوع گرایش سیاسی و... است. از این رو، در شناخت هویت و مقتضیات و مسائل و مشکلات یک نوجوان و جوان و پاسخ بدان و اساساً در برخورد با آنان باید شیوه‌ای متفاوت برگزید. یعنی نوع برخورد با یک کودک، نوجوان و جوان باید ماهیتاً متفاوت باشد و نمی‌توان در هر سه مقطع به یک شیوه با آنان برخورد کرد، در واقع برخورد با هر مقطع روان‌شناسی خاص خود را می‌طلبد.

۳. برای شناخت نسل نو و تنظیم روابط و مناسبات سازنده با نوجوان و جوان، باید از چهار بعد و در چهار گرایش مقتضیات و مختصات یک نوجوان و جوان مطالعه شود: از بُعد زیست‌شناختی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی. درواقع، برای برخورد شایسته با یک نوجوان و جوان، باید جوان از لحاظ زیستی، روانی، اجتماعی و مردم‌شناختی مورد مطالعه دقیق و موشکافانه قرار گیرد.

برای مثال، از لحاظ روان‌شناختی، برای برخورد مناسب و سازنده با یک نوجوان و جوان، باید مربی و کسی که با وی برخورد می‌کند، سه اصل مهم جلب

پایان دوران کودکی، آغاز دوره جدیدی است که هر انسانی باید آن را سپری کند. به اعتقاد کارشناسان و روان‌شناسان، این دوره که موسوم به دوران نوجوانی است، حادث‌ترین، حساس‌ترین و بحرانی‌ترین دوران زندگی هر انسانی است که لاجرم باید از این گردباد شدید عبور کند. این گردباد چنان همه وجود نوجوان را دست‌خوش تغییر می‌کند که او را دچار بحران هویت، تحجر و سرگشتگی می‌کند. چنین فردی با ورود به این مرحله هرگز آرام ندارد، همواره در حال جنب‌وجوش و التهاب است. بر موجی سوار است که هر لحظه انتظار رسیدن به ساحل نجات را دارد. بی‌قرار است و به هر سو می‌زند تا خود را به ساحل برساند.

در واقع، نوجوان همان کودک ۱۰ یا ۱۱ ساله دیروزی و آرامی است که بی‌چون و چرا، دستورات و اوامر بزرگ‌تر از خود را در خانه می‌پذیرفت. اما با ورود به این دوره و تنها به فاصله مدت زمان کوتاهی، به یک باره تغییر مشی داد، و برخلاف انتظار به همه کس و همه چیز نه می‌گوید، نه تنها همان کودک سر به راه دیروز نیست، بلکه کاملاً فردی ماجراجو و پرخاشگر است. چهره او به ناگاه عوض می‌شود، لحن گفتارش تغییر می‌کند، رنگ پوست و لهجه، رفتار و مشی او به گونه‌ای دیگر می‌شود و این همان چیزی است که والدین را شدیداً نگران کرده و موجبات تشویق خاطر آنان را فراهم می‌آورد.

بنابراین، آشنایی با مسائل و مشکلات نوجوانان و جوانان و بیش از هر چیز آشنایی با شیوه برخورد با آنان، ابتدایی‌ترین و ضروری‌ترین نیاز و ابزار برای کسانی است که به نحوی با نوجوانان برخورد می‌کنند. زیرا هرگونه ناآشنایی و غفلت از این گونه مسائل بیش از بیش موجبات تشدید مشکلات آنان را فراهم می‌آورد. اما بیش از هر چیز توجه به چند نکته ضروری است:

۱. اصولاً فصل نوجوانی و جوانی، فصل معاوار، پیچیده و کوران دگرگون‌شونده و دگرگون‌ساز و تغییر و تحول است. در این مرحله، گویا آدمی (کودک) می‌میرد و

اعتماد، فاصله‌زدایی و

ذهنیت‌شناسی را وجه همت خویش قرار دهد و آن را به عنوان اصلی‌ترین و کارآمدترین ابزار مناسبات میان خود و جوان و نوجوان در نظر بگیرد.

الف. اعتمادسازی و جلب اعتماد از ابتدایی‌ترین ابزار یک مربی و یک مبلغ و یک پدر و مادر فهمی و فرهیخته‌ای است که برای درک فرزند نوجوان و جوان خویش به کار می‌گیرند. در واقع، جلب اعتماد، پذیرش و مقبولیت فرد توسط مخاطب است. جوان و نوجوان باید ما را بپذیرند و تا زمانی که ما را

به دیده قبول ننگرند و احساس نکنند که ما آن‌ها را درک می‌کنیم، چیزی از ما نمی‌پذیرند.

ب. فاصله‌زدایی و تفاوت‌زدایی، از دیگر مکانیسم‌های روان‌شناختی برخورد با نوجوانان و جوانان است. فاصله‌زدایی به معنی زدودن و کاستن فاصله‌ها و احساس همدلی و هم‌احساس شدن با مخاطب و القای قرابت و شباهت خود با مخاطب است. در حقیقت با این کار، جوان و نوجوان احساس می‌کند نه تنها بین او، طرف مقابل هیچ فاصله و شکاف طبقاتی وجود ندارد که رابطه‌ای کاملاً صمیمی و همدلانه وجود دارد.

ج. ذهنیت‌شناسی مخاطب نیز از دیگر مکانیسم‌های روان‌شناختی برخورد با کودکان و نوجوانان است. ذهنیت‌شناسی به این معناست که بدانیم مخاطب چگونه می‌اندیشد، به چه می‌اندیشد و مشکل اصلی او چیست و درباره ما چگونه می‌اندیشد. ذهنیت‌شناسی، در واقع داشتن هنر مخاطب‌شناسی است و این‌که در ذهن مخاطب نوجوان و جوان چه می‌گذرد.



۱. ساختار این متن از سخنرانی جناب حجة الاسلام علی اکبر رشاد، در نشریه مسجد ۵۲، ص ۲۰، مهر و ابان ۱۷۹ اخذ شده، سپس بازنویسی و بازآفرینی شده است.